

ایدئولوژی و عمل‌گرایی در سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی دوره حسن روحانی

جعفر فرهادی نسب^۱

سعید اسلامی^{۲*}

فاطمه سلیمانی پورلک^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۸

۲۳۵

چکیده

سیاست‌خارجی استراتژی طراحی شده به وسیله سیاست‌گزاران یک کشور در مقابل سایر دولت‌ها و بازیگران بین‌المللی برای رسیدن به اهداف ملی و تامین منافع ملی است. تأمل در رفتار سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران از وجود هنجارها، اصول و اهداف ایدئولوژیکی و عمل‌گرایی بسیاری حکایت دارد که طی دهه‌های اخیر بروز یافته است. سیاست‌خارجی عمل-گرایانه با پذیرش واقعیت‌های موجود، بدنبال استفاده حداکثری از فرصت‌ها در راستای منافع ملی کشور است. پژوهش حاضر بدنبال پاسخی برای این سوال است که جایگاه و نقش ایدئولوژی و عمل‌گرایی در سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت حسن روحانی چگونه بوده است؟ و کدام یک از این دو از اصالت و وزن بیشتری برخوردار بوده است؟ در این راستا روش تحقیق پژوهش حاضر تحلیلی-تاریخی و باتکیه بر منابع و اسناد کتابخانه‌ای می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان داده است در دولت روحانی، هسته سخت رفتار سیاست‌خارجی ایران براساس ترجیحات ایدئولوژیکی مهمترین عامل در تعیین راهبردها و سیاست‌های ایران در حوزه روابط خارجی است. دولت روحانی در این مورد متأثر از دال متعالی خود، گرایش به اعتدال داشته و باوجود اینکه گفتمانی اسلامی بوده و عناصر آن برپایه ارزش‌ها و اصول انقلابی ایران شکل گرفته است، تدبیر خردگرایانه و متوازن خود را که مبتنی بر نتیجه‌گرایی است، به منظور شالوده‌شکنی ساختار نظام بین‌الملل به کار بسته است.

واژگان کلیدی: ایدئولوژی، عمل‌گرایی، سیاست‌خارجی، ایران، روحانی

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

* نویسنده مسئول: eslameesaed44@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

مقدمه

سیاست خارجی فرایندیست مبتنی بر استراتژی که ترجمان اهداف و منافع ملی محسوب می‌گردد و مشتمل بر کنش و اندرکنش‌های آن در قبال محیط بین‌المللی است. عوامل و متغیرهای متعددی در شکل‌گیری فرایند سیاست خارجی کشورها نقش دارند و مراتب عوامل تأثیرگذار بسته به شرایط کشورها متفاوت از یکدیگر می‌باشد. در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، ایدئولوژی رکن اصلی آن است که تمامی ظرفیت‌ها را به اقتضای خود بسیج می‌کند. این درحالی است که بخش زیادی از ارزش‌ها، هنجارها و اولویت‌های سیاست خارجی به ایدئولوژی اسلامی که بر هر دو بعد منافع مادی و ایدئولوژیک تأکید می‌ورزد، اختصاص دارد. روابط بین‌المللی پیچیده امروز، ضرورت اتخاذ رفتار خردمندانه برای کسب بیشترین بهره از کمترین امکانات و شرایط بحرانی و حتی کوچکترین روزنه‌های دیپلماتیک را اجتناب ناپذیر می‌کند. رویکرد دولت یازدهم و دوازدهم بر همین مبنا شکل گرفته که با درک وضعیت جمهوری اسلامی در نظم موجود به این نتیجه رسیده که برای ارتقای جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی، ضمن حفظ اصول، بازسازی ادبیات ایران در عرصه سیاست خارجی ضروری است. آنچه در این تحقیق موضوعیت دارد، احصاء مؤلفه‌هایی است که براساس آن ایدئولوژی و عمل-گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در ثقل موضوع آن است. از این رو محقق به بررسی نقش ایدئولوژی و عمل‌گرایی پرداخته، مبانی و چارچوب‌های فکری خاص این دوره را که از سوی مسئولان اصلی دستگاه دیپلماسی دولت شکل گرفته و منجر به احیاء واقعیت‌ها، ارائه پیام‌ها و اشارات در محیط داخلی و خارجی در چارچوب آن معنا، تفسیر و تعبیر شده است واکاوی می‌کند. در این راستا پرسش اصلی پژوهش عبارتند از: سهم ایدئولوژی و عمل‌گرایی در کنش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دو دوره ریاست جمهوری حسن روحانی چگونه بوده و کدام یک از این دو از اصالت بیشتری برخوردار بوده است؟ در جهت پاسخ‌گویی به سوال مطرح شده، ادعای اصلی برای فرض استوار شده است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، در بسیاری موارد از چرخشی عمل‌گرایانه برخوردار بوده، اما هسته مرکزی در رفتار سیاست خارجی آن همچنان بر قوت خود باقی و ایدئولوژیک محور می‌باشد. در این بین دولت روحانی در هر دو دوره بر همین شاخص گردش داشته و در تعقیب اهداف و آرمان‌های ایدئولوژیک کوشا است و دستگاه سیاست‌گذاری دولت روحانی در روابط خارجی هرگاه با

موانع و محدودیت مواجهه باشد با رویکردی تاکتیکی در قالب سیاست خارجی عمل‌گرا متمایل شده است.

۱. پیشینه تحقیق

پژوهش‌ها و تحقیقاتی که در راستای مقاله حاضر و یا نزدیک به آن هستند را می‌توان در چند مورد برشمرد: جلال دهقانی فیروزآبادی در کتاب «چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دولت بازرگان تا دولت روحانی» به تبیین و تعریف گفتمان‌های مختلف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و سیر تحول آن‌ها در چارچوب یک چرخه گفتمانی بسته می‌پردازد؛ به گونه‌ای که مرکز ثقل، کانون و دقایق و عناصر هر یک از گفتمان‌ها توصیف و توضیح داده می‌شوند. درحقیقت، هدف کتاب پاسخگویی به این سؤال است که در طول حیات جمهوری اسلامی، چه گفتمان‌هایی در سیاست خارجی ایران ظهور کرده‌اند و چه تحولات گوناگونی در قالب چرخه گفتمانی در آن رخ داده‌اند. مؤلف بیان می‌دارد که برای شناخت و درک ماهیت و رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته، توضیح و فهم گفتمان‌های غالب ضرورت دارد (Dehghani Firouzabadi, 2015). جلال دهقانی فیروزآبادی و فاطمه سلیمانی پورلک در کتاب «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و هنجارهای بین‌المللی» به ارزیابی تأثیرپذیری و تأثیرگذاری هنجاری جمهوری اسلامی مبتنی بر ملاحظات ایدئولوژیک می‌پردازند. براین اساس، جمهوری اسلامی، به مثابه بازیگری هنجاری، در نظام بین‌الملل دارای نقش هنجارساز است. این نقش، مرهون ویژگی‌هایی است که بنیان شکل‌گیری نظام سیاسی جدید با ماهیت انقلابی-اسلامی را فراهم ساخته است. آن نظام سیاسی که تعبیر جدیدی بر قامت سیاست داخلی و خارجی پوشانده و به تدریج به انتظارات رفتاری خاصی در نظام بین‌الملل انجامیده است (Dehghani Firouzabadi and Soleimani Poulak, 2022). در مقاله «پیامدهای سیاست خارجی دولت روحانی بر تعاملات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران» (Sarmi and Rezaei Turabi, 2022: 155)، رویکردهای تعاملی دولت روحانی را در تعاملات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، دارای تأثیرات و نتایج معکوسی ارزیابی کرده‌اند. مواردی از جمله پیروزی و راهیابی ترامپ به کاخ سفید، خروج از برجام توسط ایالات متحده، یارگیری‌های منطقه‌ای در عصر ترامپ به رهبری عربستان بر علیه ایران، تحریم‌های شدید ایالات متحده در قبال ایران، رفتار دوگانه اروپا در مسئله هسته‌ای و... در شکل‌های این

نتایج معکوس نقش داشته‌اند (Farsaei and others, 2021: 152)، در مقاله «نقش متغیرهای فردی و بین‌المللی در تحقق اهداف سیاست خارجی دولت روحانی برای توسعه اقتصادی ایران» عنوان نمودند که سیاست خارجی ایران در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی با توجه به متغیر فردی، تأثیرات مثبتی را بر توسعه اقتصادی کشور داشته است. ولی در دوره دوم ریاست جمهوری وی متأثر از متغیر بین‌المللی با مؤلفه‌هایی چون روی کار آمدن ترامپ، تغییر اوضاع بین‌المللی، خروج ایالات متحده آمریکا از برجام و در نتیجه شکاف در اجماع داخلی، تأثیرات مثبت دوره نخست را رو به کاهش نهاد. در مقاله «اعتبارسنجی کارآمدی رویکرد اعتدالی در سیاست خارجی ایران و راهبردهای منطقه‌ای دولت دوازدهم» (Sabouri, 2020: 102-108) که در آن نویسنده، دولت دوازدهم را با وجود اصرار بر رویکرد اعتدالی، ناموفق در بهره‌برداری و پیاده کردن آن در سیاست خارجی و روابط منطقه‌ای دانسته و پیامدهای آن را از جمله مخاصمات مستقیم با ایالات متحده آمریکا در پی خروج از برجام و تشدید تحریم‌های یک‌جانبه از سوی این کشور، تداوم درگیری در بحران سوریه، تنش‌زدائی با کشورهای منطقه‌ای همچون عربستان و... در چند مورد ذکر می‌کند. در مقاله «بررسی راهبردی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مطالعه موردی: دولت یازدهم و دوازدهم» (Sabouri and Salehian, 2018: 142-143) آمده است که با توجه به اسناد بالادستی به ویژه چشم‌انداز بیست‌ساله ۱۴۰۴، دولت یازدهم و دوازدهم سیاست خارجی خود را اقتصادمحور به هدف کمک به توسعه و رفاه ملی از طریق تعامل سازنده و موثر با جهان معرفی کرده‌اند. در ادامه مقاله نیز به مهم‌ترین موانع و چالش‌های پیش‌روی «دیپلماسی اقتصادی» دولت روحانی (دوره یازدهم و دوازدهم) پرداخته شد.

در مقاله «نقش ایدئولوژی در سیاست خارجی» (Ambrin Javid and colleagues, 2016) به بررسی نقش ایدئولوژی و عملگرایی در سیاست خارجی ایران پرداخته و با تأکید بر اولویت سیاسی ایران مبنی بر طرح‌های ضد هژمونیک‌گرا و ضد امپریالیستی قدرت‌های بزرگ در دوره پساجنگ سرد، آن را ناشی از تقدیم و تأثیر ایدئولوژی در سیاست خارجی ایران می‌دانند. در مقاله «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: ایدئولوژی و عملگرایی در دولت روحانی» (Khalili, 2019) با توجه به انگیزش‌های عملگرایانه در سیاست خارجی ایران به تجزیه و تحلیل رویکرد ایدئولوژیک دولت روحانی پرداخته است. به باور نگارنده، با پایان دوره جنگ،

ایران به بازیگری منطقی، عملگرا و فعال در عرصه سیاست‌خارجی تبدیل شده و اینکه گفتگوی بین ایران و غرب، نتایج مهمی را برای تحقق صلح در خاورمیانه به همراه خواهد داشت و این رویداد در سیاست‌خارجی روحانی نمود دارد.

مقاله «سیاست‌خارجی ایران در دوران روحانی» به قلم شاناهان بر این باور است که رئیس‌جمهور، حسن روحانی، برای عمل به وعده تامین آینده اقتصادی بهتر برای مردم عادی ایران راه خروج از انزوای بین‌المللی و منطقه‌ای را در پیش گرفت و بر همین اساس به توافق هسته‌ای با ایالات متحده دست یافت. به نظر نویسنده، توانایی روحانی برای ایجاد تغییرات قابل توجه به دلیل ملاحظات و نیروهای ایدئولوژی‌گرا محدود شد. با وجود این، وی رویکرد کمتر تقابلی‌آمیز در برخورد با محیط بین‌المللی اتخاذ کرد و این امر بیان‌گر نوع درک آن از امور بین‌الملل و به این معناست که نسبتاً موفق بوده است، در حالی که رهبران سیاسی پیش از او در عادی‌سازی روابط ایران با جهان به نتیجه نرسیدند (Shanahan, 2015).

اوسویچ در مقاله‌ای با عنوان «ایدئولوژیک‌سازی و بنیادگرایی در سیاست‌خارجی ایران در دوران ریاست‌جمهوری حسن روحانی» به بررسی تئوریک و تجربی هم‌زمانی ایدئولوژیک‌سازی و بنیادگرایی در سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره ریاست‌جمهوری روحانی می‌پردازد. نگارنده بر این باور است که تاریخ ایران پس از انقلاب همواره درگیر مبارزه بین آرمان‌گرایان و عمل‌گرایان بوده است. اولین گروه تصمیم‌گیرندگان ایرانی (اصول‌گرایان) عمدتاً بر عوامل تعیین‌کننده ایدئولوژیک تأکید دارند، حتی زمانی که مجبور به قربانی کردن منافع سیاسی یا اقتصادی می‌شوند. گروه دوم یعنی اصلاح‌طلبان برای رسیدن به اهداف تعیین‌شده و حفظ منافع ملی حاضرند از برخی ملاحظات ایدئولوژیک دست بکشند. مذاکرات هسته‌ای ۲۰۱۵ می‌تواند بهترین نشانه این شکاف سیاسی باشد. با این حال، سؤال مقاله این است که آیا مشاهدات فوق همیشه معتبر و قابل توجه هستند؟ نگارنده هدف خود را شناسایی سطح هم‌افزایی ایدئولوژی و بنیادگرایی در سیاست‌خارجی ایران در دوره ریاست‌جمهوری روحانی تعیین کرده است. فرضیه مقاله آن است که سطح ایدئولوژیک‌سازی در سیاست‌خارجی روحانی با سطح بنیادگرایی همگرا نیست. حال، نویسنده این سؤال را طرح می‌کند که آیا اصول ایدئولوژیک اساس تصمیمات و اقدامات سیاسی نهایی مقامات ایرانی را تشکیل می‌دهد یا چیزی جز اعلامیه‌هایی برای رأی‌دهندگان نیست؟ (Osiewicz, 2019). محسن میلانی در

مقاله‌ای با عنوان «سیاست‌خارجی روحانی: چگونه باید با رئیس‌جمهور جدید عمل‌گرای ایران کار کرد؟» حسن روحانی را به‌عنوان عمل‌گرایی که به‌دنبال تغییر از جمله در سیاست‌خارجی کشور است معرفی می‌کند. نویسنده با اشاره به شناخت شخصی خود از رئیس‌جمهور وقت ایران و سوابق عملکرد وی، سیاست‌خارجی دولت روحانی را بیشتر متکی به ملاحظات عملی و واقع‌گرایانه می‌داند تا تحت‌تأثیر نیروها و عوامل ایدئولوژیک. نویسنده با ترسیم دورنمایی از سیاست‌خارجی ایران در دوران روحانی به این نتیجه رسیده بود که این دوران همراه با تعامل و همکاری بین‌المللی برای ایران خواهد بود و غرب می‌تواند با یک رئیس‌جمهور غیرایدئولوژیک و عمل‌گرا کار کند (Milani, 2013).

در مجموع، منابع و آثار متعددی درباره سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران به رشته تحریر درآمده‌اند و از این میان برخی مشخصاً به سیاست‌خارجی دولت روحانی پرداخته‌اند. هر یک از این آثار وجهی از سیاست‌خارجی ایران در دوره ریاست‌جمهوری حسن روحانی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. نویسندگان یا به‌صورت موردی متمرکز بر حوزه موضوعی خاصی به‌ویژه مناقشه هسته‌ای و برجام بوده و یا سیاست‌خارجی ایران را در یک منطقه خاص و یا دربرابر یک کشور خاص بررسی کرده‌اند. نوشتار حاضر با اشراف به این جوانب بر آن است تا به گونه‌ی مبنایی و ریشه‌ای سیاست‌خارجی دولت روحانی را مورد مطالعه قرار دهد و به موضوع چالش‌انگیز نسبت میان ایدئولوژی و واقعیت در سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران بپردازد. با توجه به سوابق موجود، این‌گونه به نظر می‌رسد که دولت‌های مختلف در ایران در جهت‌گیری‌های ظاهراً متعارض در رفتار سیاست‌خارجی خود، بیشتر بر تغییر تاکتیک دلالت داشته‌اند و همچنان هسته سخت رفتار سیاست‌خارجی خود را بر اساس ترجیحات ایدئولوژیک انتظام می‌بخشد. مقاله حاضر نشان می‌دهد که دولت روحانی متأثر از دال متعالی خود، گرایش به اعتدال داشته و ضمن ملحوظ داشتن واقعیات بین‌المللی، عناصر اعتدال‌گرایی را برپایه ارزش‌ها و اصول انقلابی ایران شکل داد.

۲. رهیافت تحلیلی

از جمله مباحث بسیار مهم در مطالعه سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران، انتخاب رویکردهای نظری مناسب می‌باشد. زیرا هر نظریه بر اصول و مفروضه‌های خاص و متمایزی استوار خواهد بود که گزینش عوامل و متغیرها در فرایندها را در تجزیه و تحلیل

سیاست خارجی ایجاب خواهد کرد. جهت مطالعه و تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی، در خصوص چارچوب مفهومی یا نظری مناسب اتفاق نظر مشترکی موجود نیست. عدم اتفاق نظر حاصل نوع رابطه بین نظریه روابط بین‌الملل و نظریه سیاست خارجی و هویت جمهوری اسلامی است. حاجی یوسفی در مقاله خود تحت عنوان ((جامعه‌شناسی تاریخی و سیاست خارجی ایران: یک چارچوب نظری)) بیان می‌کند که دهقانی در پژوهش خود برای تعیین معیار و ملاک‌های ارزیابی سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران به ارائه چارچوب نظری و مفهومی پرداخته است. وی بیان می‌کند نویسنده هرچند ادعای ارائه‌ی چارچوبی مفهومی دارد اما اینکه چقدر در این راه موفق بوده است جای بحث دارد. دهقانی سه ملاک: تامین منافع ملی، غلبه بر موانع ساختاری خارجی و برخورداری از ویژگی‌های سیاست خارجی مطلوب را یک چارچوب مناسب برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌داند (Hajiyusefi and mohammadian, 2016: 73)

این نکته در خور توجه می‌باشد که به کارگیری چارچوب مفهومی مبتنی بر نظریه‌های روابط بین‌الملل جهت تحلیل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از محدودیت‌های نظری بسیاری برخوردار می‌باشد. نخستین محدودیت، برخاسته است از ماهیت نظریه روابط بین‌الملل که در راستای تبیین و حفظ نظم بین‌المللی تاریخی و فرهنگی ارائه می‌شود. خصوصاً استیلای پارادایم واقع‌گرایی بر مطالعات روابط بین‌الملل بعد از وقوع جنگ جهانی دوم که بر ایفای نقش قدرت‌های بزرگ در ساحت سیاست جهانی تاکید فراوانی داشته است، سبب محدود نمودن روابط بین‌الملل برای تحلیل و بررسی در مناسبات این کشورها شد. این موضوع به مفهوم خروج کشورهای درحال توسعه و روابط بین آنان از قلمرو تبیین این نظریه‌ها می‌باشد. در نتیجه، نظریه‌های جریان اصلی، قدرت تبیین لازم و مناسب جهت درک رفتار و تحلیل در سیاست خارجی این کشورها که دارای تفاوت‌های فرهنگی، تاریخی، ارزشی با دول غربی‌اند، ندارند. براساس نظریه‌های جریان اصلی، در صورت مفهوم‌پردازی ویژه برای تحلیل نمودن سیاست خارجی کشورهای درحال توسعه چالش چگونگی تجزیه و تحلیل سیاست خارجی کشورهای انقلابی نمایان می‌گردد (Dehghani Firouzabadi, 2015: 9-10).

اندیشمندان روابط بین‌الملل و سیاست خارجی معتقداند، انقلاب‌ها پدیده‌ای سیاسی، اجتماعی منحصر به فردی هستند که سبب بروز رفتارهای خاصی می‌شود. سیاست خارجی کشورهای



انقلابی با سایر کشورها متمایز بوده و رفتار سیاست‌خارجی آنها تحت تاثیر ماهیت انقلابی و نظام سیاسی انقلابی آنان می‌باشد. از محدودیت نظری دیگری که انتخاب چارچوب مفهومی مناسب جهت تحلیل در سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران را به چالش می‌کشد، ماهیت اسلامی بودن آن می‌باشد. هرچند ایران به عنوان یک کشور انقلابی تابع الگوی رفتار سیاست‌خارجی انقلابی است، ولی شامل انقلابی با هویت اسلامی بوده که آن را از نظام‌های انقلابی دیگر متمایز ساخته، از این‌رو، ماهیت اسلامی انقلاب ایران و ایدئولوژی مشروعیت بخش به نظام سیاسی منتج شده آن، کاربرد نظریه‌های سیاست‌خارجی انقلابی را محدود می‌سازد. محدودیت‌های نظری قید شده به مفهوم پردازش یک نظریه خاص جهت تحلیل سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران نیست.

بررسی رفتار سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران طی چهار دهه اخیر، نشان دهنده آن است که سیاست‌خارجی ایران بر مدار دو ویژگی "ایدئولوژیکی" و "عملگرا بودن" در نوسان است؛ چنانچه در یک نگاه کلی، برخی از پژوهش‌ها چنین اذعان می‌دارند که رفتار سیاست‌خارجی ایران در دهه نخست حیات آن بیشتر تحت تأثیرات ترجیحات ایدئولوژیکی قرار داشته و در دهه‌های بعدی بیشتر به سوی عمل‌گرایی سوق پیدا کرده است. سیاست‌خارجی هریک از بازیگران نظام بین‌الملل به طور عام تحت تأثیر دو دسته از متغیرهای داخلی اعم از ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نیز متغیرهای وابسته به محیط (ماهیت و ساختار نظام بین‌الملل) قرار دارد. بر این مبنای سیاست‌خارجی هر کشور با هدف صیانت و نیز بیشینه سازی منافع ملی در نظام بین‌الملل سیاست‌گذاری و اجرا می‌شود؛ اما وجه متمایز سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران، تأثیرپذیری آن از ویژگی‌های ایدئولوژیکی است. چنانچه بسیاری از کنش‌های اعمالی و اعلانی آن در چارچوب بنیان‌ها و مفروضات ایدئولوژیکی اتخاذ می‌شود. با این وصف، سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی در عمل نشان داده ترکیبی از رویکرد عمل‌گرایانه و ایدئولوژیکی را انتخاب کرده است که این تقدم و یا تأخر در اتخاذ هریک از این رویکردها، بسته به میزان درجه تأمین کنندگی منافع ملی تغییر کرده است. هرچند برخی براین اعتقادند که به سادگی نمی‌توان هیچ معیار واحدی نظیر منافع ملی را پیدا کرد که بتوان با آن سیاست‌خارجی ایدئولوژیکی را در معرض آزمون گذاشت.

با این وجود، منافع ملی از سطوح مختلفی همچون حفظ حاکمیت و تمامیت سرزمینی، استقلال همه جانبه، موقعیت ام‌القرائی در جهان اسلام و... برخوردار می‌شود که از رفتار سیاست خارجی ایران می‌توان این گونه استنباط کرد که در این بین، منافع ایدئولوژیکی در بالاترین مرتبه اهمیت قرار دارد. مکانیسم عملکرد این الگوی تکاملی بر این اصل استوار است که کنش سیاست خارجی بایستی ناظر به سه عنصر منافع ملی، ترجیحات ایدئولوژیکی و نیز محدودیت های ناشی از ماهیت و ساختار نظام بین‌الملل، سیاست‌گذاری و اجرا شود. برای این منظور، آنچه برای نظام تدبیرپردازی از اصالت برخوردار است و با منافع ملی کشور نیز هم‌تراز دانسته می‌شود، صیانت از ارزش‌های ایدئولوژیکی و دینی در رفتار سیاست خارجی است. حال اگر تعقیب این رفتار در عرصه محیط عملیاتی با محدودیت‌هایی مواجه شد و یا در تراحم با منافع حیاتی و آنی نظام تلقی گردد، این امکان فراهم می‌شود تا با اتخاذ رویکرد عمل‌گرایانه، به صورت تاکتیکی و نه راهبردی، امکان تداوم و حفظ اهداف و آرمان‌های ایدئولوژیکی فراهم شود. طرح نظریه ام‌القرائی نیز به عنوان یکی از راهبردهای عملیاتی‌سازی این دیدگاه ارزیابی می‌شود. در جمهوری اسلامی ایران، ایدئولوژی حاکم، اسلامی است؛ گونه‌ای از نظام فکری که به باور مرتضی مطهری، دربردارنده فلسفه زندگی انتخابی، آگاهانه، آرمان‌خیز و مجهز به منطق بوده و در واقع، یک نظریه کلی، یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم است که هدف اصلی آن کمال انسان و تأمین سعادت همگانی می‌باشد (Motahari, 2008: 54). از این رو، هدف سیاست خارجی می‌بایست همسو با این اهداف سمت‌گیری و سیاست‌گذاری شود.

۳. مفاهیم و عناصر گفتمانی دولت یازدهم و دوازدهم

اعتدال‌گرایی: مهم‌ترین عنصر و مولفه اصلی که گفتمان دولت روحانی براساس آن تعریف می‌شود، اعتدال‌گرایی است. برای اعتدال تعاریف و معانی مختلفی به کار می‌رود، از توازن در رویکرد سیاسی و انعطاف در گفتار و کردار سیاسی، تا تعادل در مواضع و میانه‌روی در گرایش‌های سیاسی و یا حدوسط میان تندروی و افراط از یک سو و کندروی، تفریط و محافظه‌کاری از سوی دیگر. در یک تعریف کلی، اعتدال‌گرایی سیاسی بیانگر مواضع، گرایش‌ها، رفتارها و کردارهایی است که با میانه‌روی، پرهیز از تغییرات ساختار شکنانه، عقل‌گرایی، مصلحت‌اندیشی، انعطاف‌پذیری، پرهیز از خشونت و مصالحه‌گرایی پیوند و همسویی دارد که عنصر و دال مرکزی آن، تعادل و توازن بین آرمان و واقعیت و مصالح اسلامی و منافع ملی

است (Dehghani Firouzabadi, 2015: 1) از نظر روحانی، اعتدال به عنوان عنصر مرکزی و پایه اصلی سیاست خارجی دولت وی جایگاه بالایی دارد تا آنجا که معتقد است تفکر اسلامی و شیعی بر اساس عدل و اعتدال بنا شده است. بنابراین اعتدال در سیاست خارجی به معنی تسلیم و انفعال، یا ستیز و تقابل نیست بلکه به معنی تعامل موثر و سازنده با جهان است که باید باتوجه به ارزش‌ها و آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران، میان واقع بینی و آرمان‌خواهی توازن لازم را برقرار کند. وی اعتدال در سیاست خارجی را واقع‌بینی با توجه به آرمان‌گرایی و حفظ ارزش‌ها، خودباوری با اتکا به توان ملی و تعامل موثر و سازنده با جهان می‌داند (Rouhani, Chosen news base, July 8, 2014). در نگاه روحانی، امنیت ایران مرهون رعایت اعتدال است به این معنی که در شرایط بحرانی و التهابات در منطقه، کشور توانسته است با مشی اعتدال و حفظ عدالت و برابری بین مذاهب و اعتماد اقوام، به حیات خود ادامه دهد.

ماهیت دولت: گفتمان اعتدال‌گرای دولت آقای روحانی به عنوان یکی از مهمترین عناصر خرده گفتمان‌های اسلام‌گرای جمهوری اسلامی ایران، تحت پیروی از اصول اسلامی هویت می‌یابد. از طرفی دیگر، جمهوری اسلامی ایران نظامی سیاسی است مبتنی بر مردم‌سالاری اسلامی (دینی). براین مبنا، هویت حاصل از چنین نظامی، براساس مردم‌سالاری دینی تعریف خواهد شد. بر اساس دیدگاه روحانی «جامعه اسلامی، جامعه تک‌گویی نیست، بلکه جامعه‌ای مشورتی، ارتباطی، گفتگویی و انتقادی است» که از اصول و ارزش‌های اخلاقی اسلامی در جوامع فراتر نخواهد رفت. وی بر این باور است: دولت به عهد خود در شکوفا ساختن اخلاق اسلامی و تلاش جهت تحقق احکام نورانی اسلام وفادار است (Rouhani, 2014). بنابراین، می‌توان چنین عنوان نمود که دولت روحانی، دولتی است که با اعتقاد به مردم‌سالاری «خود را قیم مردم نمی‌داند» و متعهد است به برقراری آزادی در چارچوب شریعت دینی.

هویت و نقش ملی: در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هرچند هویت دولت و ملت بر اساس هویت اسلامی تعریف می‌شود، اما برخلاف گفتمان دولت دهم، در گفتمان اعتدال روحانی، ایرانیت هم در شکل‌گیری هویت اسلامی دخیل بوده است. در سطح هویت ملت بر پایه اسلامیت و ایرانیت، گفتمان اعتدال‌گرایشی به سمت توازن پیدا می‌کند و ملت ایران را یک ملت ایرانی اسلامی قلمداد می‌نماید. «ایران دارای هویت فرهنگی بی‌مانند بوده و برآمده از ترکیب فرهنگ ایرانی و اسلامی است و می‌توان از آن جهت توسعه و پیشبرد رسالت

خود در تمام دنیای اسلام بهره برد (Zarif, 1393). همچنین در سطح هویت دولت، سه عنصر (انقلابی، اسلامی و ایرانی) مطرح می‌باشد. دولت روحانی منطبق با مشی خود، در میان سه عنصر یاد شده توازن ایجاد می‌نماید. منافع ملی: لازم به ذکر است که ماهیت سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایجاب می‌نماید تا گفتمان دولت مردان، در کنار پیگیری اهداف و منافع ملی، به طور همزمان مصالح اسلامی را نیز دنبال نمایند. دولت روحانی در چارچوب چنین دیدگاهی، از یک طرف بین منافع و اهداف ملی توازن ایجاد کرده و از طرفی دیگر، بین منافع ملی و مصالح اسلامی، جانب اعتدال را رعایت می‌نماید. بر این اساس، از نظر تئوریک ذاتاً بین منافع و اهداف ملی و مصالح اسلامی هیچ گونه تضادی نیست، ولی در عمل، این رویداد دور از ذهن نخواهد بود و این امکان دارد که بین مصالح اسلامی و منافع ملی تضادی به میان آید که دولت مردان را مجبور به ارجحیت دادن یکی بر دیگری نماید. برطرف نمودن این تراحم و تقابل، امری معطوف به رویکرد دولت بوده که در رویکرد دولت دهم و یازدهم مبتنی است بر توازن آن در سیاست خارجی. رویکرد دولت روحانی بیان کننده توجه و اهمیت وافر به منافع ملی در جهت دستیابی به اهداف و مصالح اسلامی می‌باشد. در گفتمان حاضر، پیگیری منافع و اهداف ملی در راستای نگارش واقع‌گرایانه و مصلحت‌جویانه دولت معنا می‌یابد، به صورتی که دولت با در نظر گرفتن مقدمات ملی و اقتضائات بین‌المللی، اهداف و منافع ملی را پیگیری می‌نماید (Dehghani Firouzabadi, 2015: 33).

بنابراین واقع بینی به معنی اولویت‌بندی میان دو دسته از مصالح و منافع ملی و فراملی است و تاکید بر منافع ملی به معنی عدم پیگیری اهداف فراملی نیست بلکه پیگیری اهداف ملی و مصالح اسلامی به عنوان اهداف فراملی به طور همزمان و بدون بزرگ‌نمایی آنها مدنظر است. این تعادل میان اهداف ملی و فراملی، نوعی سازگاری با هنجارهای بین‌المللی را تداعی می‌نماید که ویژگی برجسته آن، تنش‌زدایی و بهبود تعاملات سیاسی-اقتصادی با سایر بازیگران بویژه با اتحادیه اروپا است.

انقلاب اسلامی ایران: از نگاه اعتدال‌گرایان صدور انقلاب، به عنوان یکی از مؤلفه‌های موثر در سیاست خارجی به دور نماند. دولت روحانی اعتقاد دارد، آرمان‌های اصلی انقلاب همچون استکبارستیزی، عدالت‌طلبی و... می‌بایست در عرصه بین‌المللی پیگیری گردند؛ بر این اساس، دولت ضمن تعقیب، تبیین و تأمین منافع و اهداف ملی جهت تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی،



تحرکات لازم و مناسبی دارد، اما، تحقق اهداف فراملی با توجه به مصلحت و ملحوظات ملی، پیگیری و اولویت بندی می‌شود (Dehghani Firouzabadi, 2015: 34). بنابراین، دولت با در نظر داشتن شرایط کامل و دور از هرگونه سیاست تهاجمی، منطبق با اقتضانات و هنجارهای بین‌المللی بصورتی تدریجی، چندجانبه‌گرایانه و با یک الگوسازی درخور وجه ایران، اهداف مدنظر را پیگیری می‌کند. دولت روحانی با توجه به تمامی آرمان‌های انقلاب اسلامی، در صدور آن نیز مراتب توازن را رعایت می‌نماید.

نظم و نظام بین‌الملل: گفتمان اعتدال مثل گفتمان عدالت‌محور، اصالت عادلانه‌ای برای ساختار نظام بین‌الملل قائل نخواهد بود، ولی در عمل، جهت تحول در چنین نظامی، برعکس گفتمان دولت دهم، به تحول تدریجی نظام بین‌الملل از طریق قواعد مرسوم بین‌المللی قائل می‌باشد (Dehghani Firouzabadi, 2015: 33). در این گفتمان، دولت از تهاجم به ساختارهای حاضر در نظام بین‌الملل مانند سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی یا قواعد مرسوم، خودداری نموده و برای اصلاح زیرساخت‌ها با اتخاذ رویکرد اندیشمندانه‌ای، براساس مصلحت و واقعیت، در تلاش است تا باهمراه نمودن سایرین و با ابزارهای قانونی همچون توسعه همه‌جانبه روابط با بازیگران بزرگ، چندجانبه‌گرایی و مقابله نرم با هژمونی‌گری، به اصلاح نظام کنونی بپردازد.

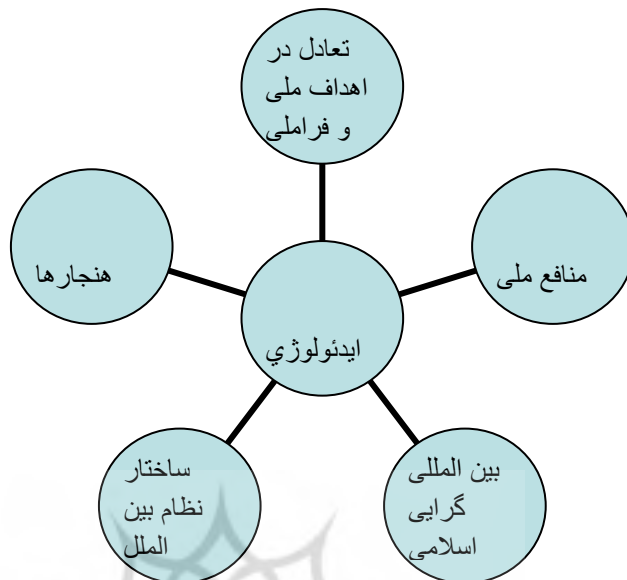
۴. سهم و جایگاه ایدئولوژی و عمل‌گرایی در سیاست خارجی دولت یازدهم و دوازدهم

۴-۱. ایدئولوژی در سیاست خارجی دولت یازدهم و دوازدهم

اگر بتوان دایره منافع ملی را طوری ترسیم کرد که هم منافع و اهداف عینی و مادی و هم منافع ارزشی و غیر مادی در آن بگنجد، در این صورت منافع ایدئولوژیک نیز با منافع ملی مترادف می‌گردد (Ebrahimi, 2010: 124) یکی از جنبه‌های اصلی هویت‌بخش نظام جمهوری اسلامی ایران، نقش و تاثیر آرمان‌های ایدئولوژیک برآمده از انقلاب اسلامی بر سیاست خارجی بود که جنبه فراملی داشت و در تمامی دولت‌ها مورد توجه بوده است. به این معنی که علاوه بر منافع و اهداف ملی، باید برای تحقق آرمان‌های فراملی انقلاب اسلامی نیز برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری صورت گیرد. اما در دولت‌های مختلف، همواره میان گفتمان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی، چرخش وجود داشته است (Hasanpour, 2016: 178) در جمهوری اسلامی ایران با توجه به ابعاد و روحیه فراملیتی و فرامرزی ایدئولوژی مبتنی بر دین اسلام، در خصوص مسئولیت و احساس وظیفه مسئولان سیاست خارجی در اولویت قائل شدن به وظایف درون‌مرزی و ملی حکومت

در قبال مردم و یا وظایف فراملیتی در غالب امت اسلامی سؤالاتی مطرح می‌شود که در پاسخ نظریه‌های گوناگونی را به ذهن متبادر می‌کند. عده‌ای بر جنبه فراملیتی و آرمان و ایدئولوژی فرامرزی تأکید فراوان داشته و عده‌ای دیگر بعد ایدئولوژیک و مکتبی زندگی یک ملت را اصل قرار می‌دهند. نظریه‌هایی هم درحد وسط این دو نظر قرار دارند (Izadi, 2002,60-61).

ایدئولوژی حاکم در جمهوری اسلامی ایران، ایدئولوژی اسلامی است؛ به اعتقاد مرتضی مطهری، گونه‌ای از نظام فکری که در برگیرنده فلسفه زندگی آگاهانه، انتخابی، آرمانخیز و برپایه منطق بنا شده است. درحقیقت، نظریه‌ای کلی، طرحی جامع و هماهنگ می‌باشد که هدف اصلی آن تأمین سعادت همگان است (Mahmoudi Kia and Deshiri, 2021: 18). اما در گفتمان اعتدالی روحانی در مقایسه با سایر گفتمان‌های انقلاب اسلامی، سعی شد تفسیرهای ملایم‌تری در خصوص موضوعات و مسائل ایدئولوژیک ارائه شود. در این برداشت، ضمن تلاش برای توازن میان اهداف واقع‌گرایانه و آرمانی، از بزرگ‌نمایی و ایدئولوژیک نمودن مسائل پرهیز می‌شود و منافع ملی پررنگ‌تر می‌نماید؛ چرا که عنصر ایدئولوژیک‌گرایی اعتدالی، ایجاب می‌کند میان هر دو جنبه واقع‌گرایانه و آرمان‌گرایانه و یا میان اهداف ملی و ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی توازن رعایت شود (Karimi, 2014: 194). ایدئولوژیک‌گرایی اعتدالی به این معنی است که ضمن تأکید بر اصول بنیادین و ارزش‌های اساسی سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی، معتقد به رعایت توازن و تعادل در اهداف ملی و فراملی بدور از هرگونه افراط و تفریط است. ماهیت اسلامی دولت ایجاب می‌کند که با حداقل مداخله‌گری و تصدی‌گری با مشارکت مردم، جامعه مدنی و بخش خصوصی به سامان‌دهی امور و حل و فصل مشکلات و مسائل ملت پردازد (Dehghani Firouzabadi, 2015: 32).



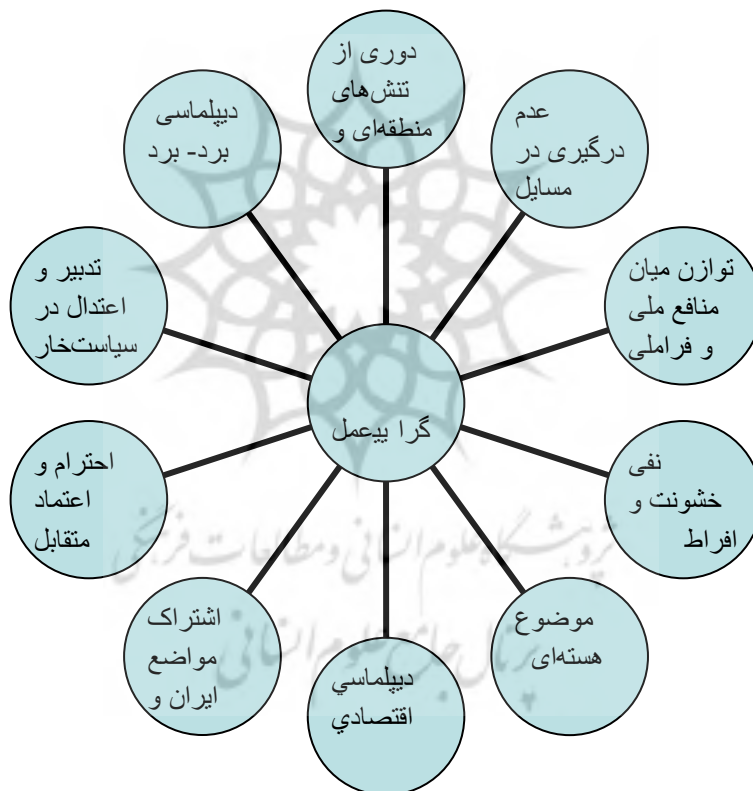
نمودار ۱. ایدئولوژی در سیاست خارجی دولت یازدهم و دوازدهم (منبع: نگارنده)

برداشت اعتدالی از مسائل ایدئولوژیک، کاربرد ایدئولوژی در سیاست خارجی را محدود به رعایت دو عنصر مصلحت و منافع ملی می‌داند و با ملاحظه این دو عنصر از تدریج‌های ایدئولوژیک در سیاست خارجی و شکل‌گیری سیاست‌های تقابلی و تهاجمی جلوگیری می‌شود و تلاش می‌شود تا آرمان‌های انسانی و اسلامی را با توجه به واقعیت‌های موجود دنبال کند (Mohammadnia, 2016: 194). در این دیدگاه، ارزش‌های اسلامی و اخلاقی و ماهیت ایدئولوژیک دولت و تعهد دولت در شکوفا کردن اخلاق اسلامی و تحقق احکام اسلامی مورد تأکید قرار می‌گیرند. اما در عین حال از پررنگ کردن آرمان‌ها و ایدئولوژیک نمودن مسائل خودداری می‌شود. بدین معنی که ماهیت ایدئولوژیک و اسلامی، به معنی دولت مداخله‌گر و متصدی در همه امور و محدودکننده زندگی مردم و مداخله‌کننده در زندگی خصوصی آنها نیست. بلکه نوعی آرمان‌خواهی واقع‌بینانه است که آرزوها را باید با بند مقدرات اسیر کرد تا جانب اعتدال رعایت شود (Rouhani, World Economy, July 12, 2014). در عرصه عمل نیز در رویکردهای اتخاذی و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی هر دو مقوله مصلحت و مقدرات ملی و اولویت‌بندی اهداف بدون تأکید بیش از حد بر اهداف فراملی و آرمانی مورد توجه قرار

می‌گیرد. به این معنی که ضمن توجه به اهداف فراملی، سعی می‌شود بین آرمان‌های انقلاب و منافع ملی نوعی توازن برقرار نماید.

۲-۴. عمل‌گرایی در سیاست خارجی دولت یازدهم و دوازدهم

در عرصه سیاست خارجی، عمل‌گرایان براین باورند که سیاست خارجی حلقه ارتباط یک کشور با محیط بین‌المللی است. در صورت ضعف این ارتباط، اساساً امکان پیشبرد اهداف توسعه‌ای هر کشوری ممکن نخواهد بود. بنابراین آن سیاست خارجی را عمل‌گرا می‌نامند که مبتنی بر اصول سودمندی، قابل تحقیق و عملی بودن ایده‌ها و سیاست‌ها باشد (Campbell, 2011: 17).



نمودار ۲. عمل‌گرایی در سیاست خارجی دولت یازدهم و دوازدهم (منبع: نگارنده)

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همراه با انتخاب روحانی و روی کار آمدن دولت وی، شاهد رویکرد جدید شده و توجه به کشورهای همسایه و منطقه در اولویت قرار گرفت. دولت



روحانی تحت راهبردی با تعامل سازنده و سیاستی تنش‌زدا، نظم مدنظر خود (نظم منطقه‌ای پایدار) را دنبال می‌کند. مهم‌ترین شاخص‌های سیاست‌خارجی دولت روحانی عبارتند از: تنش‌زدایی، اعتمادسازی، عقلانیت در عرصه سیاست‌خارجی، بهبود چهره و جایگاه ایران در عرصه جهانی، دیپلماسی فعال، تلاش جهت توازن و بهبود روابط، به ویژه با کشورهای همسایه. می‌توان چنین عنوان نمود که، تنش‌زدایی مهم‌ترین جنبه گفتمان اعتدال در سیاست‌خارجی دولت روحانی است. از مهم‌ترین جنبه تنش‌زدایی در دولت وی دوری از تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و لزوم برقراری ارتباط، رعایت احترام متقابل، پیگیری دیپلماسی برد-برد، تدبیر و اعتدال، دوری از درگیری‌های ایدئولوژیکی، حفظ بازدارندگی، همزیستی مسالمت‌آمیز و پذیرش کثرت‌گرایی سیاسی و اقتصادی می‌باشد. بر این اساس اهداف و اولویت‌های دولت روحانی در سیاست‌خارجی به شرح ذیل تشریح می‌گردد.

۴-۲-۱. احتراز از تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

اولین جلوه تنش‌زدایی دولت روحانی دوری از تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و الزام به برقراری ارتباط می‌باشد. دولت روحانی تلاش کرده است در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، یک تصویر عقلانی از سیاست‌خارجی ارائه کند. در این راستا رابطه جمهوری اسلامی ایران با تعداد زیادی از کشورهای منطقه و فرامنطقه رو به بهبودی رفت. از آنجا که در دولت قبل روابط ایران با سایر کشورها به دلیل تهاجمی بودن سیاست‌خارجی از وخامت برخوردار بوده است، در دولت روحانی این روابط دوباره آغاز شد. در سایه چنین تحولات جدید منطقه‌ای، شاخص‌ترین چالش، بهبودی روابط با غرب و همسایگان و همچنین فائق شدن بر فشارهای بین‌المللی می‌باشد. رویکرد دولت روحانی در مورد نگرانی کشورهای منطقه نسبت به برنامه هسته‌ای، معیاری بسیار با اهمیت برای ایجاد نظم خاورمیانه تلقی می‌گردد. از اینرو دولت روحانی به پیگیری مذاکرات هسته‌ای پرداخته و بر تصویب برجام اهتمام ورزیده است. با نگاهی دقیق به پیامدهای اجرایی شدن برجام بر نظم و امنیت خاورمیانه می‌توان چنین بیان داشت که برجام توانست ایران را از یک بحران غیرضروری که تعدادی از کشورها از آن برای پیشبرد اهداف جنگ‌طلبانه و بی‌ثباتی منطقه بهره می‌بردند رهایی بخشیده و بهانه لازم را از جنگ طلبان جهت تداوم سیاست‌های بحران سازشان سلب نماید (Rezaei and Torabi, 2014: 132). درگفتمان اعتدال‌گرایی، مهم‌ترین مفهوم تاثیرگذار بر جهت‌دهی سیاست‌خارجی، رویکرد تعامل موثر

وسازنده با دنیای خارج می‌باشد که در قالب تنش‌زدایی، همزیستی مسالمت‌آمیز، اعتمادسازی، احترام و منافع متقابل، تعریف می‌گردد. این رویکرد با ابزار دیپلماسی و مذاکره، تلاش می‌کند، ایران را از پدیده امنیتی عبور دهد. در آستانه روی کار آمدن دولت روحانی، ایران به عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت منطقه و جهان مطرح شده بود و عملاً به سمت امنیتی شدن سوق داده شد و اجماعی جهانی بر علیه ایران شکل گرفت. در چنین فضایی، روحانی ضمن باور به تلاش غرب با هدف شناساندن ایران تحت عنوان پدیده امنیتی و تهدیدزا، یکی از اصول سیاست‌خارجی خود را اهتمام جهت حذف و از میان برداشتن این طرح معرفی کرده است (Rezaei and Torabi, 2014: 148). در واقع دولت روحانی تلاش می‌کند با رویکرد تنش-زدایی و تعامل سازنده با کشورهای منطقه و جهان، امنیت ملی و پیرامونی خود را گسترش دهد. در این میان تنها راه تعامل، گفتگو از جایگاه برابر، اعتمادسازی متقابل و احترام دوجانبه است که مبنای روابط با سایر کشورها از جمله با اتحادیه اروپا را تشکیل می‌دهد (Rouhani, IRNA news agency, August 13, 2014). بر این مبنای، در حوزه سیاست‌خارجی، رهیافت‌های افراطی و تقابلی کنار گذاشته شد و اساس کار تقویت تنش‌زدایی و همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگر کشورها عنوان شد. با این تفسیر، تنش‌زدایی و تعامل سازنده در مرکز ثقل سیاست‌خارجی دولت روحانی قرار گرفت (Khosravi Bab Anari, 2010: 49). نگاه تعاملی روحانی همراه با دیپلماسی مذاکره‌ای، زمینه را برای اعتمادسازی و از بین بردن اجماع جهانی علیه ایران فراهم نمود و ضمن تسهیل حل و فصل موضوع‌ها و مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، به بهبود فضای مناسبات و ارتقا جایگاه ایران نزد اتحادیه اروپا کمک کرد. در نتیجه افزایش تعامل با کشورهای اروپایی در اولویت دستورکار سیاست‌خارجی کشور قرار گرفته، نقش و جایگاه موثری در موضوع هسته‌ای ایران عهده‌دار شدند.

۲-۲-۴. دیپلماسی برد-برد

بازی یا دیپلماسی برد-برد، یکی از شیوه‌های اساسی در مذاکرات دیپلماتیک برای طرف‌ها به منظور چانه‌زنی جهت کسب بیشترین امتیازات است که در مقابل بازی با حاصل جمع صفر قرار دارد که برد یک طرف متضمن باخت طرف دیگر می‌باشد. در رویکرد برد-برد، بازی و تعامل با حاصل جمع مثبت دنبال می‌شود و هر دو طرف توافق می‌کنند که در عین اینکه امتیازاتی را کسب می‌کنند، امتیازاتی را نیز به رقیب خود بدهند (Karlin, 2016: 34). اصولاً

دیپلماسی برد- برد رویکردی انعطافی و قابل مذاکره است و به خودی خود طرف‌های دعوا را به چانه‌زنی و بده بستان دعوت می‌کند. دولت روحانی نیز با شناخت موقعیت جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین‌المللی و در شرایطی که برنامه‌های هسته‌ای آن به یکی از چالشی-ترین موضوعات بین‌المللی در سیاست‌خارجی بویژه در ارتباط با اروپا تبدیل شده بود، تلاش کرد با طرح این دیپلماسی، اوضاع را به نحو مطلوبی در راستای منافع ملی مدیریت نماید. از نظر وی دیپلماسی برد- برد در موضوع مذاکرات هسته‌ای به این معنی است که طرف مذاکره به حقوق قانونی صلح آمیز هسته‌ای ایران اذعان داشته و از سوی دیگر ایران نیز اعتماد لازم به طرف‌های مذاکره‌ای برای صلح آمیز بودن این فعالیت‌ها را بدهد (Rouhani's interview with NBC, 29 September 2014). این نگرش انعطاف پذیر مورد توجه و استقبال اتحادیه اروپا قرار گرفت و اتحادیه را به شروع مذاکره و حل اختلافات و مشکلات فی‌مابین به‌خصوص مساله هسته‌ای و گسترش مناسبات ترغیب نمود. به این ترتیب رویکرد دولت در پرونده هسته‌ای، با اعلام سیاست نرمش قهرمانانه شروع شد و در قالب رایزنی‌ها و مذاکرات فشرده ایران و گروه ۵+۱ ادامه یافت. آقای روحانی از همان روزهای نخست براین رویکرد در تعامل با قدرت‌ها تأکید نمود. می‌توان پیام دیپلماسی برد-برد دولت وی بر نظم خاورمیانه را یک پیامد راهبردی برشمرد. به عبارتی دیگر، کشورهای منطقه خاورمیانه دولت ایران را یک دولت عقلانی محسوب نمودند که بر حسب منافع خود عمل می‌نماید. بنابراین دیپلماسی برد-برد نظم منطقه‌ای خاورمیانه را قاعده‌مند خواهد کرد.

۴-۲-۳. توازن میان منافع ملی و فراملی

در گفتمان اعتدال‌گرا، عنصر واقع‌بینی در مقایسه با عنصر آرمان‌گرایی از جایگاه برتری برخوردار است. به این معنی که پیگیری اهداف ملی و فراملی بر مبنای شناخت واقعیت‌ها و امکانات ملی، بدور از هرگونه خوشبینی یا بدبینی افراطی است. در اینجا واقع‌گرایی به معنی غفلت از آرمان‌ها و ارزش‌ها نبوده، بلکه متضمن آرمان‌خواهی و مکمل آن می‌باشد و پیگیری واقع‌بینانه آرمان‌ها و ارزش‌ها بر مبنای واقعیت‌های داخلی و خارجی، بصورت توأمان مدنظر می‌باشد. برقراری نوعی توازن بین واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی در سیاست‌خارجی، به معنی پرهیز از ایدئولوژیکی کردن مسائل و برقراری تعادل بین اهداف ملی و فراملی است. زیرا ماهیت اسلامی نظام جمهوری اسلامی ایران ایجاب می‌نماید، در سیاست‌خارجی مصالح اسلامی و

فراملی در کنار منافع ملی توأمان و همزمان پیگیری شوند. حفظ توازن و تعادل بین مصالح اسلامی و منافع ملی یکی از مختصات گفتمان اعتدال در سیاست خارجی است (Daman Pak Jami, 2019: 29). از نظر روحانی، اعتدال بدون آرمان‌گرایی در کنار واقع‌گرایی امکان‌پذیر نیست. واقع‌بینی رابطه نزدیکی با رفتارها و مواضع محاسبه شده در تعیین منافع ملی دارد به این معنی که باید برداشت‌ها منطبق با شرایط واقعی جهانی، رفتار سایر بازیگران و توانایی‌های ملی باشد (Rouhani, Chosen news base, July 8, 2014). براساس این دیدگاه، دو عنصر جمهوریت و اسلامیت بیانگر جنبه‌های واقع‌گرایانه و آرمان‌گرایانه نظام جمهوری اسلامی ایران است. این دو به عنوان نماد نقش‌های ملی و مصالح اسلامی، مورد توجه می‌باشند. جمهوریت و اسلامیت در کنار هم بوده و مجموعه راه و سیره امام نیز چیزی جز اسلامیت و جمهوریت نیست (Rouhani, Tasnim news agency, February 11, 2018). بنابراین واقع‌بینی به معنی اولویت‌بندی میان دو دسته از مصالح و منافع ملی و فراملی است و تأکید بر منافع ملی به معنی عدم پیگیری اهداف فراملی نیست بلکه پیگیری اهداف ملی و مصالح اسلامی به عنوان اهداف فراملی بطور همزمان و بدون بزرگ‌نمایی آنها مدنظر است. این تعادل میان اهداف ملی و فراملی، نوعی سازگاری با هنجارهای بین‌المللی را تداعی می‌نماید که ویژگی برجسته آن، تنش‌زدایی و بهبود تعاملات سیاسی-اقتصادی با سایر بازیگران بویژه با اتحادیه اروپا است.

۴-۲-۴. احترام و اعتماد متقابل

قدرت‌های جهانی سعی دارند در مناسبات بین‌المللی با نگاهی از بالا به پایین، خواسته‌ها و آرمان‌های خود را در تعاملات بین‌الملل بر کشور های ضعیف تحمیل نمایند در حالی که دولت روحانی از ابتدای دوران ریاست جمهوری بر رعایت حقوق و احترام متقابل ملت ایران در راستای صلح تأکید داشته است. لذا این رویکرد از جمله شاخص‌ترین جنبه‌های تنش‌زدایی در سیاست خارجی دولت روحانی قلمداد می‌شود. با توجه به تحولات گسترده‌ای که در منطقه غرب آسیا رخ داده است، مانند ناآرامی در مصر، بحران‌های سوریه، مناقشه یمن و ناامنی در عراق، نیاز به احترام متقابل به شدت احساس می‌شود. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در این خصوص داشته‌اند. در نتیجه، این شرایط امنیتی و سیاسی پیچیده، ایران نیازمند همکاری‌های بیشتر با همسایگان خود می‌باشد. در بستر سیاست تنش-زدایی، احترام متقابل گفتمان اعتدال و عقلانیت روحانی در مواجهه با همسایه‌ها به ویژه حوزه

خلیج فارس سبب گسترش قدرت منطقه‌ای ایران شده است. این رویکرد توانست فضایی ایجاد نماید تا رهبران شورای همکاری خلیج فارس به ایران با نگاه مثبت‌تری بنگرند. روحانی در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل اعلام کرد: ایران به دنبال تعامل سازنده بر اساس احترام متقابل و منافع مشترک با دیگر کشورها می‌باشد. در این چارچوب احترام متقابل و اصول مسلم شناخته شده بین‌المللی باید مبنا قرار گیرد

۴-۲-۵. تدبیر و اعتدال

تدبیر و اعتدال از حلقه‌های مفقوده سیاست‌خارجی در برهه‌ای از حکومت جمهوری اسلامی می‌باشد. دولت روحانی تلاش نمود با رعایت تدبیر و اعتدال کشور را در جامعه جهانی، یک دولت مسئول و پاسخگو مطرح کرده و تعریف نماید. با توجه به اینکه نظم منطقه‌ای خاورمیانه در دوره‌های اخیر به دلیل افراط‌گرایی و تروریسم کشورهای منطقه در خطر قرار گرفته بود و عدم مشاهده تدبیر و اعتدال در سیاست‌خارجی کشورهای منطقه، بکارگیری این رویکرد در دولت روحانی خواهد توانست نظم منطقه‌ای را از طریق توجه لازم و به ضرورت عقلانیت گسترش و تقویت نماید (Sarmi and Rezaei, Turabi, 2022: 165). از نظر روحانی، اعتدال به عنوان عنصر مرکزی و پایه اصلی سیاست‌خارجی دولت وی جایگاه بالایی دارد تا آنجا که معتقد است تفکر اسلامی و شیعی براساس عدل و اعتدال بنا شده است. بنابراین اعتدال در سیاست‌خارجی به معنی تسلیم و انفعال، یا ستیز و تقابل نیست بلکه به معنی تعامل موثر و سازنده با جهان است که باید با توجه به ارزش‌ها و آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران، میان واقع بینی و آرمان‌خواهی توازن لازم را برقرار کند. وی اعتدال در سیاست‌خارجی را واقع بینی با توجه به آرمان‌گرایی و حفظ ارزش‌ها، خودباوری با اتکا به توان ملی و تعامل موثر و سازنده با جهان می‌داند.

۴-۲-۶. دوری از تنش در مسایل ایدئولوژیک

در گفتمان اعتدالی روحانی سعی شد تفسیرهای ملایم‌تری در مورد موضوعات و مسائل ایدئولوژیک ارائه شود. عنصر ایدئولوژیک‌گرایی اعتدالی، ایجاب می‌کند تا میان هر دو جنبه واقع‌گرایانه و آرمان‌گرایانه و یا میان اهداف ملی و ایدئولوژیکی توازن رعایت گردد (Motaghi and Tabatabai Panah, 2021: 194). گفتمان دولت اعتدال در صدد است تا از درگیری در مسائل ایدئولوژیکی دوری گزیند و در سیاست‌خارجی تنها به دنبال منافع ملی باشد. همچنین

دولت روحانی تلاش نمود از امنیتی شدن عبور نماید. امنیتی شدن فرایندی است که طی آن کشور بیش از آنکه پدیده‌ای جمعیتی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مطرح گردد، پدیده‌ای امنیتی تلقی شود. در عرصه بین‌المللی، اینچنین کشوری یک تهدید است و کشورهای دیگر سعی دارند کوتاه‌ترین رابطه و تعامل را با آن برقرار نمایند. بنابراین به واسطه عدم درگیری ایران در مسائل ایدئولوژیکی، نظم منطقه‌ای در خاورمیانه به سوی الگوی ائتلاف قدرت‌های منطقه پیش رفته و این امر در بلندمدت سبب توسعه همکاری‌ها، پایداری نظم منطقه‌ای و تغییر اولویت کشورها می‌گردد.

۴-۷. نفی خشونت و افراط

تلاش در جهت ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگر کشورها، مرتبه‌ای فراتر از تنش‌زدایی و اصول مورد تأکید در دولت روحانی می‌باشد. به عبارتی دیگر، دوری‌جستن از تنش و تنش‌زدایی مقدمه‌ای بر همزیستی مسالمت‌آمیز است. سیاست احترام به تمامیت ارضی و حاکمیت سایر کشورها، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، پذیرش دیگران با وجود اختلافات، نفی سلطه‌پذیری و پذیرفتن اختلافات ایدئولوژیکی به‌عنوان واقعیات جامعه بین‌المللی و احترام به اصول حقوق بین‌الملل در رابطه با سایر کشورها سرلوحه امور قراردادده است. دولت اعتدال براساس این اصول و با پذیرش تکثر بین‌المللی بجای پیروی از الگوی تقابل و تعارض، در قالب همکاری و همزیستی با کشورهای دیگر، تلاش نمود، منافع کشور را تأمین کرده و نظم منطقه‌ای خاورمیانه به سوی تداوم در پایداری و عدم مداخله قدرت فرامنطقه‌ای پیش برد (Rezaei and Torabi, 2014: 131-134).

۴-۸. موضوع هسته‌ای

مهم‌ترین انگیزه دولت روحانی از اجرای انعقاد برجام، خارج شدن موضوع هسته‌ای از وضعیت امنیتی و از بین بردن فشارهای ساختاری در سیاست خارجی ایران بود (Mirali and Naveedinia, 2022: 20). سیاست حسن روحانی در مساله هسته‌ای، تلاش جهت خروج پرونده ایران از شورای امنیت در کنار تکمیل فناوری هسته‌ای است. تا قبل از توافق هسته‌ای، برنامه هسته‌ای ایران یکی از نگرانی‌ها و دغدغه‌های جدی اروپا به شمار می‌آمد که باعث شده بود موضع اتحادیه اروپا به سیاست‌های آمریکا نزدیک شود و در عمل به انزوای تدریجی ایران و امنیتی شدن فضا و تقویت ایران هراسی و شیعه هراسی انجامید. ادامه این فضای

تهدیدآمیز امنیتی، به شدت منافع جمهوری اسلامی ایران را با تهدید مواجه کرد. با اعلام انعطاف در موضوع هسته‌ای و آمادگی برای رفع ابهامات و نگرانی‌های دول غربی و اروپایی، برداشت جدیدی مبتنی بر همکاری متقابل شکل گرفت که نتیجه آن گشایش در مذاکرات هسته‌ای و امضاء برجام بود. شیوه انعطافی روحانی در شروع مذاکرات، تغییری اساسی در رویکردهای اتحادیه از گزینه‌های سخت‌گیرانه تحریمی و فشار و تهدید، به سمت گزینه مذاکره و تحریم ایجاد کرد. اتحادیه اروپا با چرخشی در مواضع قبلی، بر دیپلماسی مذاکره با ایران جهت رفع نگرانی‌های بین‌المللی تأکید کرد. این تغییر مواضع تا حدی بود که برخی از مقامات اتحادیه حتی از برخورداری ایران از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای که قبلاً خط قرمز غرب و اروپا در مقابل ایران بود، سخن گفتند (Khalili, 2015: 143). نقطه ثقل گفتمان هسته‌ای دولت روحانی را می‌توان تعامل‌گرایی و تنش‌زدایی نامید. استراتژی برد-برد، لغو تحریم‌ها، امنیت ملی و منافع ملی، حمایت‌های رهبری و توسعه از محورهای دیگر گفتمان هسته‌ای دولت روحانی به شمار می‌آید (Soltani Gardframarzi and Ashrafi, Bakshaish Ardestani, Safaroudi, 2020: 130). به این ترتیب دولت روحانی توانست با رویکرد دیپلماسی مذاکره، به مصالحه هسته‌ای دست یابد و آن را از دستور کار شورای امنیت و ذیل فصل هفت منشور خارج نماید و نگرانی و تهدید ناشی از آن را مرتفع کند این دستاورد، نشانه پیروزی رویکرد دیپلماسی مذاکره بر تحریم و فشار بود که توانست ضمن برداشتن برخی تحریم‌ها در کنار تعدیل فشارهای سیاسی و روانی ناشی از آن، گشایشی در مناسبات ایران با کشورهای دیگر به ویژه اتحادیه اروپا ایجاد کند و در سطح بین‌المللی نیز زمینه را برای تثبیت چندجانبه‌گرایی فراهم نماید. گفتگوی تلفنی روحانی با اوباما، ملاقات وی با نخست‌وزیر انگلیس در سازمان ملل، بازگشایی سفارت انگلیس در تهران، سفر وزرای خارجه انگلیس، فرانسه و مقامات ارشد برخی کشورهای اروپایی، نشانگر بازسازی هویت جدید تلقی شد (Deshiri, 2016: 92). کشورهای اروپایی معتقد بودند رویکرد تحریم و فشار موثر بوده و باعث گردید دولت روحانی به ناچار رویکرد تعامل و مذاکره با قدرت‌های بزرگ را بپذیرد. چرا که انزوای ایران در نتیجه تحریم‌های اروپا و آمریکا، ناآرامی و بی‌ثباتی در سوریه، افغانستان و عراق و نیز امکان شورش‌هایی در مناطق کردنشین ایران در صورت تثبیت موقعیت کردهای سوریه، باعث فشار مضاعفی بر ایران بود و پذیرش گفتگو و حل‌وفصل دیپلماتیک مسائل را برای ایران ناگزیر می‌

ساخت (Frustenberg, 7 Aug 2013). بنابراین اتحادیه اروپا با مشاهده تغییر رویکرد دولت ایران به سمت رویکردهای تعاملی، از آن استقبال کرد و از ادامه مذاکرات و دستیابی به توافق هسته‌ای برجام، حمایت کرد. رویکرد حمایتی اتحادیه، تبادل هیات‌ها و حضور شرکت‌های علاقمند اروپایی برای تولید و سرمایه‌گذاری در ایران را در پی داشت و به تدریج اروپا تلاش نمود جایگاه سستی خود را در بازار ایران باز یابد. تا بدانجا که مورگرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه، طی بیانیه‌ای ضمن حمایت از برجام اعلام کرد اتحادیه اروپا در مقابل از الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی حمایت می‌کند (Mogerini, 31/07/2016).

۴-۲-۹. دیپلماسی اقتصادی دولت روحانی

انتخابات ۲۴ خرداد ۱۳۹۲ به انتخاب خط‌مشی اعتدال‌گرایانه روحانی به عنوان رئیس دولت یازدهم منجر شد. دولت روحانی در شرایطی سکان اداره امور کشور را در دست گرفت که در نتیجه اعمال و تشدید تحریم‌های ظالمانه غرب علیه جمهوری اسلامی ایران به بهانه مقابله با برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران و در پرتو سیاست خارجی تقابلی دولت گذشته، دیپلماسی اقتصادی نتوانسته بود چندان فرصت تحرک و نقش‌آفرینی در عرصه روابط خارجی پیدا کند. در پی تشدید تحریم‌های خارجی و تداوم مشکلات ساختاری در داخل، اقتصاد ایران با افزایش هزینه‌های تولید، سیاست‌های انبساطی پولی و مالی، بروز پدیده رکود تورمی و نهایتاً بی‌ثباتی اقتصادی در مسائل ارزی و تجاری و کاهش شدید رشد اقتصادی کشور تا سطح حدود منهای شش درصد روبرو شده بود. لذا دولت جدید، در عرصه سیاست خارجی، اصلی‌ترین هدف خود را نجات اقتصاد کشور از بحران موجود و تعامل سازنده و تأمین منافع متقابل با اقتصاد جهانی با غیرامنیتی ساختن موقعیت ایران در نظام بین‌الملل، بهبود روابط با کشورهای غیرمتخاصم، حذف تحریم‌ها (اقتصاد محور کردن سیاست خارجی) تعریف نمود (Zarif, 2014: 32). بنابراین، دولت روحانی توجه ویژه‌ای را به موضوع دیپلماسی اقتصادی معطوف داشت و در برنامه‌ها و اصول سیاست خارجی خود اولویت بالایی را برای آن قائل گردید. در چارچوب این برنامه، دیپلماسی اقتصادی از طریق تعامل سازنده و موثر با دنیا به عنوان محور اصلی سیاست خارجی دولت روحانی تعیین گردید. براین اساس، در برنامه پیشنهادی وزیر امور خارجه به مجلس شورای اسلامی نیز با ثقل بر موضوع اقتصاد و توسعه ملی در روابط خارجی به عنوان یک عنصر راهبردی در برنامه کلان سیاست خارجی دولت تأیید و تأکید گردید و در

راستای اقتصاد محورکردن سیاست خارجی، راهبردهای عملیاتی متعددی پیشنهاد گردیدند (Zarif, 2014: 36). در همین حال، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز که در سال اول مسئولیت این دولت به اجرا در آمد، ضمن تأکید بر درون زایی و اتکا به ظرفیت‌های تولید داخل، اصل برونگرایی را مکمل آن قرارداد است که بر مدل توسعه برون گرای معطوف به داخل تأکید می‌نماید.

بدون تردید، دو رویکرد مورد نظر اسناد بالادستی کشور که در برنامه ششم توسعه نیز انعکاسی در خور یافت، یعنی "اصل تعامل سازنده و مؤثر" و "اصل برونگرایی درون زا"، متناسب با رویکرد یک دولت توسعه‌گرا قلمداد می‌گردد (Mohaghegh Nia and Rezakhani, Davtalab vazifeh, Rezvanpour, 2019 : 241). دولت روحانی نیز با بهره‌گیری از تجربه دولت‌های پیشین در حوزه دیپلماسی اقتصادی و با در نظر داشتن این موضوع که توسعه اقتصادی کشور و حذف تحریم تنها با رویکرد سیاست خارجی توسعه‌گرا و اولویت قراردادن اقتصاد در سیاست داخلی و خارجی امکان پذیر نخواهد بود، سیاست خارجی خود را بر مبنای اقتصاد محوری و هدف آن را توجه و کمک به گسترش و رفاه ملی اعلام نموده است. با بررسی اهداف و راهبردهای سیاست خارجی دولت اول روحانی و تکالیف قانونی آن به ویژه برنامه ششم توسعه و سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی، می‌توان سه ابراولویت را برای دیپلماسی اقتصادی این دولت در چهارچوب گفتمان اعتدال و اصل تعامل سازنده و مؤثر در نظر گرفت: ۱. حل و فصل موضوع هسته‌ای و رفع تحریم‌های هسته‌ای به منظور ایجاد فضای آرام و به دور از تنش برای پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی کشور ۲. پیشبرد اهداف اقتصاد مقاومتی و بهبود معیشت مردم در حوزه دیپلماسی اقتصادی ۳. محوریت یافتن نقش وزارت امور خارجه در زمینه پیشبرد اهداف دیپلماسی اقتصادی.

در برنامه سیاست خارجی دولت دوم روحانی نیز ضمن توجه به ضرورت تداوم اولویت‌های گذشته، دو ابراولویت شامل: ۱) حل و فصل مشکلات منطقه‌ای و تقویت روابط با سایر کشورها ۲) کمک به اهداف تعیین شده اقتصاد مقاومتی جهت بهبود معیشت مردم در حوزه دیپلماسی اقتصادی تعیین گردید (Zarif, 2018: 8). در عرصه عمل نیز، دولت روحانی در گام اول با حل مناقشه هسته‌ای به عنوان مهم‌ترین مسأله‌ای که در یک دهه گذشته به امنیتی کردن سیاست خارجی کشور منجر شده بود و با برداشتن بخشی از تحریم‌های اقتصادی مرتبط با

موضوع هسته‌ای، گشایش‌های قابل توجهی را در فضای روابط اقتصادی خارجی کشور ایجاد کرد و با اتخاذ سیاست تعاملی در روابط خارجی و ارائه چهره‌ای صلح‌طلب از جمهوری اسلامی ایران، به موفقیت‌های قابل توجهی در زمینه توسعه مراودات اقتصادی و پیشبرد دیپلماسی اقتصادی دست یافت. مهمترین اقدام دولت روحانی به نتیجه رساندن مذاکرات هسته‌ای و دستیابی به توافقی بود که شرایط بین‌المللی را به نفع ایران کاملاً تغییر داد. تا جایی که برخی از اهل علم در تلاش برای تمهید مبانی فقهی این توافق، آن را با صلح حدیبیه مقایسه کردند که از حمله آثار مثبت آن تضمین منافع ملی و تأمین مصالح اجتماعی است.

۴-۲-۱۰. اشتراک مواضع ایران و اروپا در مخالفت با یکجانبه‌گرایی آمریکا

حسن روحانی در مذاکره مستقیم با آمریکا بیان داشت: روابط ایران- آمریکا دارای زخم‌های عمیق و مزمنی است. در سه دهه گذشته مجوز مذاکره و زمینه‌سازی تجدید رابطه با آمریکا از سوی رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران صادر نشد (Sarmi and Rezaei Turabi, 2022: 20). تجربه حسن روحانی به عنوان دبیر عالی شورای امنیت ملی دولت خاتمی، نشان داد، او اعتبار مهمی برای روابط با کشورهای اروپایی قائل است.

اهمیت اروپا در چارچوب تفکر و سیاست خارجی حسن روحانی دلایل متعددی دارد. در ابتدا، اروپایی‌ها به نسبت آمریکا موضع نرم‌تری در مقابل موضوعات مرتبط با ایران اتخاذ می‌کنند. از این رو می‌توان در راستای منافع ملی و ایجاد شکاف در روابط یورو- آتلانتیک استفاده نمود. در این زمینه، تجربه حسن روحانی در چارچوب بحث هسته‌ای نشان داد، ایشان با آگاهی از این موضوع درصدد استفاده از اختلافات اروپا و آمریکا است. ضمن اینکه یکی از انتقادات حسن روحانی به سیاست‌های دولت احمدی‌نژاد، نادیده گرفتن اروپا و عملاً نزدیک نمودن اروپا به آمریکا با توسل به سیاست تنش‌زا و تهاجمی است. دوم موضوع اقتصادی، سرمایه‌ای و تکنولوژیکی است. حسن روحانی با آگاهی از نیازهای کشور در حوزه اقتصادی اتحادیه اروپا را به عنوان یک پدیده اقتصادی در نظر گرفت که می‌توان با اتخاذ دیپلماسی فعال در چارچوب تعامل سازنده از ظرفیت‌های اقتصادی آن جهت توسعه ایران استفاده کرد. ضمن اینکه گسترش روابط با اتحادیه اروپا، می‌تواند به روابط اقتصادی ایران تنوع داده و ایران را از انحصار اقتصادی برخی از کشورها همچون چین رها کند. همچنین بهبود روابط با کشورهای اروپایی در برداشتن تحریم‌ها موثر می‌باشد، چراکه بسیاری از موانع و محدودیت‌هایی که بر ایران اعمال



می‌گردد در دستور و چارچوب مصوبات سازمان ملل و شورای امنیت نیست (Rezaei and Torabi, 2014: 152). توافق برجام به عنوان یک توافق بین‌المللی در راستای تقویت چندجانبه‌گرایی و منافع اتحادیه اروپا است. در واقع مخالفت با یکجانبه‌گرایی آمریکایی و تقویت چندجانبه‌گرایی، هدف مشترک ایران و اتحادیه بشمار می‌آید. از نظر اتحادیه، جنبه تقویت چندجانبه‌گرایی توافق برجام، یکی از مؤلفه‌های اساسی معماری منع اشاعه در دنیا است و از اهمیت حیاتی برای امنیت اروپا، منطقه و کل جهان برخوردار است. لذا بر جنبه امنیتی برجام و حفظ آن به رغم مخالفت یکجانبه آمریکا، تاکید دارند و مصمم هستند طبق قوانین اتحادیه و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت از منافع فعالان اقتصادی که در حال تعامل قانونی با ایران هستند، حمایت نمایند. به همین دلیل در مرحله اول، قانون انسداد یا بازدارنده تحریم‌ها را از هفتم آگوست ۲۰۱۸ برای محافظت از شرکت‌های اروپایی در حال تعامل قانونی با ایران در برابر آثار تحریم‌های فراسرزمینی آمریکا اجرایی کنند (Mogherini, Tabnak site, August 16, 2019).

اتحادیه توافق برجام را دارای اهمیت راهبردی می‌داند و حفظ آن برای منافع اتحادیه حیاتی است. به همین دلیل تمام تلاش خود را بکار می‌برد تا ایران را به ماندن در برجام متقاعد نماید و به همراه روسیه و چین به دنبال طراحی و اجرایی شدن ساز و کار ویژه مالی (SPV) پس از خروج آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران هستند تا مسیرهای مرادده تجاری با ایران حفظ شود (Mogherini, on the margins of the United Nations General Assembly, Khabar, News Network, October 4, 2019). در چنین شرایطی تصمیم یکجانبه و رویکرد مخالفت دولت آمریکا در مقابل برجام، برای اتحادیه اروپا قابل قبول نیست. بنابراین رهبران اروپا در تلاش هستند به رغم خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌ها علیه ایران، آن را حفظ نمایند چراکه برجام همچنان کارآمد بوده و می‌تواند اهداف مورد نظر اروپا را تامین نماید. در حالی که ترامپ بر بازگشت تحریم‌ها در جهت تغییر رفتار تهدیدآمیز و بی‌ثبات کننده ایران در منطقه تاکید می‌کند، اما اتحادیه از برجام و تداوم آن حمایت می‌کند. در این رابطه، جرمی هانت وزیر خارجه انگلیس در بیانیه‌ای ضمن ابراز تاسف از تحمیل تحریم‌های جدید آمریکا، تاکید کرد که اتحادیه اروپا مصمم است تا از فعالان اقتصادی که به تجارت قانونی با ایران ادامه می‌دهند، حمایت نماید (Riley, August 2018). مسئول سیاست خارجی اتحادیه نیز تاکید کرد که اتحادیه

و اعضای آن با کمک جامعه بین‌المللی بر حفظ توافق هسته‌ای با ایران اصرار دارند چراکه اروپا تنها با هدف ملاحظات تجاری و اقتصادی به دنبال حفظ برجام نیست، بلکه هدف اصلی جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و عدم اشاعه هسته‌ای و جلوگیری از بحران امنیتی در خاورمیانه است (Mogherini, 1 Jan 2019). سرانجام اتحادیه اروپا در ژانویه 2019 با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد سه کشور اروپایی، انگلیس، آلمان و فرانسه سازوکار ویژه‌ای برای حمایت از مبادلات تجاری به منظور تسهیل تجارت مشروع با ایران ایجاد کرده‌اند (Moghereni, 31 Jan 2019). کشورهای عضو اتحادیه بر تلاش‌های خود به منظور حفظ ترتیبات برجام در مقابل اجرای تعهدات کامل ایران در برجام از جمله همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأکید کردند. این اقدام اروپا گام نخست در جهت حفظ برجام پس از خروج آمریکا از آن است (France Diplomatie, 31 Jan 2019). اما اگرچه اتحادیه اروپا، حفظ برجام و برآوردن منافع ایران و مخالفت با تحریم‌های آمریکا را به‌عنوان هزینه کرد خود در مقابل تقویت چندجانبه‌گرایی و مخالفت با یکجانبه‌گرایی آمریکایی می‌داند و بر سازوکار ویژه مالی با ایران تأکید دارد، اما در مقابل انتظار دارد ایران نیز بتواند لویایح مبارزه با پولشویی را به تصویب برساند. موضوعی که هنوز در مراکز تصمیم‌گیری ایران محل مناقشه است و در صورت عدم تصویب آنها، کشورها و شرکت‌های اروپایی برای مراوده با ایران، با مانع جدی مواجه خواهند شد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشانگر آن است که در نظام گفتمانی دولت یازدهم و دوازدهم، عنصر آرمان‌گرایی و واقع‌بینی به صورت متوازن مطرح می‌باشد که با ترویج نظام مطلوب خود، مضاف بر قبول رسالت آرمان‌گرایانه و شالوده شکن خود، به مقتضیات و چارچوب‌های فعلی نظام بین‌الملل توجه ویژه داشت. از طرفی نیز گفتمان دولت نهم و دهم، با وجود عناصر واقع‌گرایی در رویارویی با نظام بین‌المللی و منطقه‌ای، رویکرد آرمان‌گرایانه و تهاجمی‌تر نسبت به دولت (یازدهم و دوازدهم) داشت؛ بنابراین، طبیعی به نظر می‌رسد که گفتمان دولت روحانی با تعریفی متوازن از منافع و مصالح اسلامی و بازتعریف متوازن هویت برخاسته از مؤلفه‌های اصلی هویت جمهوری اسلامی ایران (ایرانیت، اسلامیت و انقلابی‌گری)، ضمن توجه ویژه و کامل به منافع ملی، مصلحت امت را نیز مورد توجه ویژه قرار داده است. در این خصوص،



دولت روحانی متأثر از دال متعالی در گفتمان خود، گرایش به اعتدال درد و همانند گفتمان دولت دهم، دارای گفتمانی اسلامی بوده و عناصر آن بر پایه ارزش‌ها و اصول انقلابی ایران بوده، تدبیر خردگرایانه و متوازن خود را که مبتنی است بر نتیجه‌گرایی، جهت شالوده شکنی ساختار نظام بین‌الملل به کار گرفته است. به عبارتی، موجب عدم هجوم همه‌جانبه دولت به ساختارهای نظام بین‌الملل و تقابل گسترده با دیگر بازیگران در منطقه شد.

دولت روحانی در گفتمان خود در راستای پیگیری اهداف فراملی با مد نظر قرار دادن مصالح و توانمندی‌های ملی، تلاش نموده است تا حد امکان ضامن مقابله با ساختارهای حاضر، در تقابل با نظام بین‌الملل و کشورهای بزرگ قرار نگیرد. به عبارتی، رویکرد متوازن دولت وی در خصوص سه اصل "عزتمندی، مصلحت و حکمت" مانع از بروز تهاجم همه‌جانبه آن به ساختارهای موجود در نظام بین‌الملل شده، چون از دیدگاه این دولت، توجه نامتوازن به این سه اصل سبب تنزل جایگاه منطقه‌ای و جهانی ایران می‌شود. در گفتمان دولت روحانی، عزتمندی ملی براساس واقع‌نگری بنا شده و تحقق خواهد یافت. براین مبنا، در گفتمان دولت یازدهم و دوازدهم، ارتقای عزت ملی، همراه با پیگیری و تأمین استقلال همه‌جانبه کشور و تقویت منافع آن، از طریق تعامل با نظام منطقه‌ای و جهانی، تلاش در جهت اشاعه نظام اسلامی، اصول و ارزش‌های اسلامی و انقلابی، امکان‌پذیر می‌باشد.

در نهایت می‌توان عنوان نمود که در دوره ریاست جمهوری روحانی سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران ترکیبی از دو رویکرد عمل‌گرایانه و ایدئولوژیک می‌باشد که تقدم و تأخر هر کدام، با توجه به میزان درجه تأمین‌کنندگی منافع ملی تغییر یافت. اما رکن رکن در کنش سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی در این دو دوره بعد ایدئولوژیک بوده و از اصالت بیشتری برخوردار است. اتخاذ سیاست عمل‌گرایی در عرصه سیاست‌خارجی ناشی از وجود محدودیت‌ها در منابع قدرت ملی و نیز محدودیت‌ها و تضییقات ناشی از ساختار نظام بین‌المللی می‌باشد.

منابع

- Brahmbhatt, M, et. al. (1996). "India in the global economy", World Bank Policy Research, Working Paper.
- Bhat, T (2011). "Structural changes in India's foreign trade", Available at: <http://isidev>.

- nic.in/pdf/ICSSR_TPB.pdf (Accessed on: 2012, 17 September).
- Campbell, P. L. (2011). Peirce, pragmatism, and the right way of thinking. Sandia National Laboratories: Albuquerque.
- Dehghani Firouzabadi, S.J (2015). "Moderationism Discourse in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran", Foreign Policy Quarterly, Volume 28, Issue 1. Pages 1 – 34. [In Persian]
- Daman Pak Jami, M (2019). "Economic Diplomatic Development of the Islamic Republic of Iran, Reviewing the Achievements of the Past Four Decades and the Challenges Ahead", Foreign Policy Quarterly, Volume 32, Issue 4. Pages 29-30. [In Persian]
- Dehghani Firouzabadi, S.J (2015). The discourse cycle in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran: from Bazargan state to the Rouhani state, Tehran: Mokhtab [In Persian]
- Dehghani Firouzabadi, S.J and Soleimani Poulak, F (2022). Iran's Foreign Policy and International Norm, Tehran: Institution for Political and International Studies [In Persian]
- Deshiri, M.R (2014) "Nuclear agreement and the fabrication of Iran's new identity in international public opinion", International Relations Research Quarterly, Volume 1, Issue 16. Pages 26-29. [In Persian]
- Ebrahimi, Sh (2010), a constructive study of the role of ideology in Iran's foreign policy and its connection with realism and idealism, International Quarterly of Foreign Relations, Volume 1, Issue 4. Pages 122-125. [In Persian]
- Frustenberg, K (7 Aug 2013). "Iran's New President: Foreign Policy Challenges for Rohani", Institute of Peace and Conflict Studies, 4073, in http://www.ipcs.org/comm_select.php?articleNo=4073.
- France Diplomatie (31 Jan 2019). "Joint statement on the creation of INSTEX" in: <https://www.diplomatie.gouv.fr/en/countryfiles/iran/events/article/joint-statement-on-the-creation-of-instex-the-special-purpose-vehicle-aimed-at>.
- Hajiyusefi, A.M and Mohammadian, M (2016). "Historical sociology and Iranian foreign policy: A theoretical Framework", global policy Quarterly, volume 5, Issue4, pages 73-74. [In Persian]
- Herszenhorn, D (8/6/2018). "Europe vows to fight for Iran deal as US renews sanctions", in: <https://www.politico.eu/article/federicamogherini-europe-vows-to-fight-for-iran-deal-as-us-donald-trump-renews-sanctions>
- Hasanpour, J (2016). "Theoretical explanation of the challenges of national interests in the foreign policy approach of the Islamic Republic of Iran: the ideal-reality puzzle", International Relations Research Quarterly, Volume 1, Issue 16. Pages 178-179. [In Persian]
- Karimi, Gh. R (2014). "Examination of the moderation-oriented discourse of the 11th government based on idealistic realism", moderate foreign policy conference, Tehran: Office of Political and International Studies, March 15, extraction date: 6/12/1400, www.profdoc.um.ac.ir/articles/a/1040817. [In Persian]

- Karlin, R, Anna and Yuval peres (2016) "Game Theory, Alive", in: <https://homes.cs.washington.edu/karlin/GameTheoryBook.pdf>.
- Khalili, R (2015). "The 11th presidential election and the prospect of the nuclear program of the Islamic Republic of Iran", Strategic Studies Quarterly, Volume 17, Issue 1. Pages 143-145. [In Persian]
- Khosravi Bab Anari, M.T (2010). "The foreign policy approach of the 11th government towards the order and security of the Middle East region", International Relations Studies Quarterly, Volume 10, Issue 39. Pages 49-50. [In Persian]
- Mogherini, F (August 16, 2017). Tabnak site, extraction date: 12/6/1400, <http://www.tabnak.ir/fa/news/823105>
- Motaghi, M.A and Tabatabai Panah, S.A (2021). Analysis of the impact of elements of Rouhani government's moderation discourse on the relations between the Islamic Republic of Iran and the European Union, Scientific Quarterly of International Relations Studies, Volume 13, Issue 50. Pages 194-195. [In Persian]
- Mogherini, F (4/7/2019). "Press interview on the sidelines of the United Nations General Assembly", Khabar Network, extraction date: 12/6/1400, <http://www.irinn.ir/fa/news/628666/>
- Motahari, M, (1386). *Insan Wayman*, Tehran: Sadra. [In Persian]
- Mohaghegh Nia, H and Rezakhani, J; Daytalab Vazifeh M.R; Rezvanpour, R (2019). Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran during Rouhani's Presidency in the 11th Administration, Political and International Research Quarterly, Volume 9, Issue 34. Pages 241-243. [In Persian]
- Mohammadnia, M (2016). "Comparative study of the foreign policy of fundamentalist and moderate governments", Political Research Quarterly, Volume 2, Issue 1. Pages 194-195. [In Persian]
- Mirali, H and Naveedinia, F (1401). review of the Rouhani government's policy and performance on the nuclear issue with an emphasis on the JCPOA debate, Political and International Research Quarterly, Volume 13, Issue 50. Pages 60-65. [In Persian]
- Mahmoudi Kia, M and Dehshiri M.R (2019). the ratio of pragmatism and ideology in Iran's foreign policy; A strategic or tactical approach? Strategic Policy Research Quarterly, Volume 9, Issue 32. Pages 18-21. [In Persian]
- Milani, M (2013). Rouhani's Foreign Policy: How to Work with Iran's Pragmatic New President, in: [In Persian] <https://www.foreignaffairs.com/articles/iran/2013-06-25/rouhanis-foreign-policy>
- Osiewicz, P (2019). Ideologizing and Fundamentalism in Iranian Foreign Policy under the Hassan Rouhani Presidency, in: https://www.airuniversity.af.edu/Portals/10/JEMEEA/Journals/Volume-01_Issue-2/JEMEEA_01_2_Osiewicz.pdf
- Rouhani, H (11/11/2016). Tasnim news agency, extraction date: 6/24/1400. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/> [In Persian]

- Rouhani, H (6/19/2014). IRNA news agency, extraction date: 6/24/2022. <http://www.irna.ir/fa/News/81290015> [In Persian]
- Rouhani, H (12/4/2014). The world of economics, extraction date: 24/6/1400, <https://donya-e-eqtasad.com/1791199> [In Persian]
- Rouhani, H (8/4/2014). "Speech at the Media Horizon Conference", Analytical News Database of Chogh, extraction date: 6/23/1400, <http://www.entekhab.ir/fa/news/119133/> [In Persian]
- Rezaei, A.R and Torabi, Q (2014). Hassan Rouhani's foreign policy, constructive interaction in the framework of the development-oriented government, International Political Research Quarterly, Volume 5, Issue 15. Pages 131-152. [In Persian]
- Sabouri, Z (2020). validation of the effectiveness of the moderate approach in Iran's foreign policy and the regional strategies of the 12th government, International Relations Research Quarterly, No. 3 [In Persian]
- Sabouri, Z and Salehian, T (2018). Strategic review of the economic diplomacy of the Islamic Republic of Iran, a case study: the 11th and 12th governments, International Relations Quarterly, Volume 7, Issue 24. pages 141-146. [In Persian]
- Shanahan, R (2015). Iranian foreign policy under Rouhani, in: <https://www.files.ethz.ch/isn/188299/iranian-foreign-policy-under-rouhani.pdf>
- Soltani Gardfaramarzi, M and Ashrafi, A; Bakshaish Ardestani, A; Safaroudi, S (2020), Comparison of Hassan Rouhani's Nuclear Discourse and Islamic Revolution Discourse, Political Science Quarterly, Volume 14, Issue 49. Pages 130-131. [In Persian]
- Sarmi, M.R and Rezaei, A.R; Turabi, Q (2022). The consequences of the Rouhani government's foreign policy on the international interactions of the Islamic Republic of Iran, Scientific Quarterly of International Relations Studies, Volume 14, Issue 53. Pages 165-166. [In Persian]
- Welayati, A. R and Dehghani Firouzabadi, S. J; Shakerkhoei, E; Alipour, J (2023), The role of religious discourse in the foreign policy sub-discourse of the moderate government, Political and International Research Quarterly, Volume 13. Issue 50, Pages 145-149. [In Persian]
- Zarif, M.J (2018). "The foreign policy approach and program of the twelfth government", extraction date: 5/15/2022. [In Persian]
- Zarif, M.J (2016). "The foreign policy approach and program of the twelfth government", extraction date: 5/15/1400, www.mfa.gov.ir [In Persian]